

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۱۶ مارچ ۲۰۲۵

## سوریه، جولانگاه تشنج و جنگ‌های تازه

تنها چند ماه از تغییر دولت اسد نگذشته است که جامعه سوریه با موج خشونت‌های سنگینی از سوی نمایندگان دولت جدید و دیگر نیروهای ارتجاعی، تحت عنوان «مبارزه با علویان» به‌ویژه در استان‌های لاذقیه و طرطوس روبه‌رو شده است. این حوادث بیش از هر چیز ناشی از کشمکش‌های سیاسی و تضاد منافع میان قدرت‌های امپریالیستی و دولت‌های وابسته به آن‌هاست؛ مسائلی که به‌طور آشکار در کشتار زنان، مردان، جوانان و کودکان سوری نمود پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد آنچه سوریه امروز تجربه می‌کند، چیزی جز بازتابی از یک تراژدی غم‌انگیز [مانند دیگر کشورهای جنگ‌زده] نیست. این حقیقت چیزی جز این نیست که قدرت‌های بزرگ، به‌منظور دستیابی به اهداف بلندمدت خود و آرایش سیاسی جدید، بر بحران و تنش‌های سیاسی و نظامی جامعه سوریه افزوده‌اند تا موقعیت و منافع بیشتری را در رقابت‌های جهانی به دست آورند.

از مدت‌ها پیش، این سیاست در دستور کار جانین بشریت قرار داشته و به همین دلیل جهان، به‌ویژه منطقه خاورمیانه، همچنان درگیر رویدادهای خونین و شوک‌آور است. همه این تغییر و تحولات زیرپوشش بهره‌برداری از ثروت‌های جامعه و ضمانت زندگی بهتر برای مردم و همچنین در چارچوب «رهایی» از دیکتاتورها و برقراری دموکراسی و آزادی صورت گرفته است؛ با این حال واقعیت‌ها نشان می‌دهند که این ظواهر با آنچه سازمان‌دهندگان وضعیت ناهنجار کنونی ادعا می‌کنند، کاملاً در تضاد است. به‌طور نمونه، هزاران نفر از محروم‌ترین اقشار جامعه را به هولناک‌ترین شیوه‌ها در خیابان‌ها و کوچه‌ها به گلوله بستند تا «اسلام مطلوب خود» را به دیگر باورها تحمیل کنند! میلیون‌ها توده دردمند را آواره کرده‌اند تا زندگی بهتری برایشان سامان دهند! در واقع، منطقه خاورمیانه تاکنون برحسب این دو عامل [یعنی رهایی از رژیم‌های دیکتاتور و برقراری دموکراسی] زیر و رو شده است و برحسب این دو عامل است که جنگ، خون و خونریزی و ویرانی خانه‌ها به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم منطقه تبدیل شده است. پس سوریه، یا کشورهای در دستور کار آتی قدرت‌مداران بین‌المللی، تافته جدا بافته از دیگر کشورهای جنگ‌زده نبوده و نیستند. همه را در مسیر واحد به خط کرده و می‌کنند تا اقتصاد فروپاشیده‌شان را راست‌ورس کنند؛ زیرا جهان سرمایه‌داری در وضعیت شکننده‌تری نسبت گذشته قرار گرفته است و نشانه‌های این واقعیت را می‌توان در تهدیدها و تنش‌های سیاسی و نظامی که در نقاط مختلف جهان دامن زده می‌شود، به‌وضوح مشاهده کرد. همچنین رخدادهای مخربی از این‌دست [مانند سوریه] نشان‌دهنده این واقعیت هستند که سیستم سرمایه‌داری بیش از این قادر به پیشبرد سیاست‌های مطلوب خود

نیست. در حقیقت نظام‌های سرمایه‌داری با تکیه به نیروی نظامی در تلاشند تا از این مخصصه و آن‌هم به بهای تلف کردن بیش‌ازپیش جان محرومان جهان و مردم منطقه خاورمیانه بیرون آیند.

به عبارت دیگر، تنش‌های سیاسی میان قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه به‌هیچ‌وجه قابل‌انکار نیست. پیدایی آن را به‌آسانی می‌توان در مناطقی مانند افریقا و خاورمیانه مشاهده کرد. تردیدی نیست که هدف اصلی پشت این رویدادها، پاسخ به بحران عمیق مناسبات ناکارآمد سرمایه‌داری و تلاش برای جلوگیری از گسترش اعتراضات و جنبش‌های رشد‌یابنده توده‌های ستمدیده است. وجود هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری در سراسر جهان برای دستیابی به خواسته‌های اقتصادی - سیاسی، مخالفت‌های پیوسته دانشجویان در دانشگاه‌ها علیه سیاست‌های آموزشی، برپایی کمپین‌های مستمر در حمایت از توده‌های بی‌دفاع و کودکان غزه، مخالفت‌های پی‌درپی علیه طرح و تصویب قوانین ضد انسانی به حقوق پایه‌ای انسان‌ها، نابرابری‌های جنسیتی در محیط‌های کاری و آموزشی و بسیاری موارد مشابه نشان‌دهنده این واقعیت است که نظام‌های سرمایه‌داری در گوشه‌وکنار جهان با چالش‌های عمیق و گسترده‌ای روبه‌رو هستند. از این‌رو، سیاست‌های جاری مرتبط با جنگ و جابه‌جایی نیروها توسط قدرت‌های بزرگ در کشورهای همچون سوریه، هیچ ارتباطی به منافع مردم، بازسازی جامعه و برقراری دموکراسی ندارد. در حال حاضر جامعه سوریه چندپاره شده است و هر دولت یا گروهی به دنبال سهم‌خواهی از این سرزمین ناامن است. از یک سو دولت به‌ظاهر منتخب و از سوی دیگر، بازیگرانی مانند اسرائیل، ترکیه، ایران و دیگران در تلاش‌اند تا از موقعیت به‌وجود آمده بهره‌برداری کرده و نفوذ و سلطه خود را بر دولت‌ها و جناح‌های رقیب تحمیل کنند.

پیش‌تر در [دورنما منطقه خاورمیانه](#) و [سوریه پس‌اسد](#) آمده است که مردم از این جابه‌جایی‌ها بهره‌ای نخواهند برد و سهم‌شان تخریب خانه‌ها، ناامنی بیشتر و از دست‌دادن جان‌شان خواهد بود. افسوس که سرزمین سوریه قربانی جاه‌طلبی‌ها طمع‌ورزی‌های حاکمان زورگو شده است و بی‌علت نیست که مردم سوریه نگران از وضعیت موجود هستند. تظاهرات متعدد از طرف جوانان و سایر قربانیان ستم امپریالیستی علیه نمایندگان جدید وابسته به طبقه سرمایه‌داری حاکم گواه این ادعا است که جامعه سوریه در چاله‌ای عمیق‌تر و بحرانی‌تر از قبل گرفتار شده است. این وضعیت دقیقاً بازتاب همان شرایط و برنامه‌هایی است که طراحان آن خواهان آن هستند. مردم را لت‌وپار کرده‌اند و مانند همه اتفاقات و جنایات پیشین در فکر «محاکمه خودسران» یا «گروه‌های نامنضبط» هستند. سناریویی که ناآشنا نیست و در کنار آن، اشک تمساح ریختن دولت‌ها و سازمان‌های وابسته‌ای نظیر سازمان ملل و نظایر این‌ها صرفاً بزک کردن دولت احمد الشرع به‌عنوان نگهبان جدید طبقه سرمایه‌داری در سوریه ناامن است. دولتی که مأموریت اصلی‌اش تخلیه انرژی اعتراضات مردمی است. دولتی که با تصویب قانون اساسی جدید، حقوق اقلیت‌های جامعه را نادیده گرفته و به رئیس‌جمهور [انتصابی] اختیارات مطلق داده است. درست یک روز پیش از اعلام قانون اساسی جدید سوریه بود که احمد الشرع توافق‌نامه‌هایی را با «مظلوم عبدی»، فرمانده نیروهای سوریه دمکراتیک، «قسد» برای ادغام نهادهای دولت خودمختار در ساختار کشور سوریه و همچنین با جناح‌ها و شخصیت‌های استان سویدا با اکثریت دروزی، امضا کرد.

خلاصه موقعیت سیاسی توده‌های ستمدیده سوریه، علی‌رغم امیدواری به رهایی از سلطه رژیم سرکوبگر اسد، همچنان در شرایطی بی‌ثبات و در حقیقت با آینده‌ای تاریک روبرو است. کشتار بی‌رحمانه بیش از هزار نفر طی دو یا سه روز و همچنین توافق نیروهای کرد با دولت الشرع نشان‌دهنده این حقیقت است که تمامی تلاش‌ها بر تخریب دستاوردهای اعتراضات و مبارزات دهه‌های اخیر متمرکز شده است. اگرچه اعلام وفاداری و ادغام نیروهای مسلح کردستان سوریه با سیاست‌های گذشته آن‌ها، که بیشتر در راستای همکاری با نظام‌های سرمایه‌داری بوده است، تناقض چندانی ندارد، اما در عین حال نمی‌توان تأثیر مبارزات زنان در کوبانی و پیامدهای آن را نادیده گرفت. نباید فراموش کرد که چگونه زنان

و مردان کردستان سوریه شانه به شانه یکدیگر علیه جنایتکاران و مزدوران نظام‌های سرمایه‌داری ایستادگی کردند و از طریق مقاومت و پیکار موفق به عقب راندن دشمنان مردم ستمدیده منطقه شدند. دستاوردهای مبارزاتی که در توافق اخیر بین نیروهای کردستان سوریه و دولت دست‌نشانده، به شدت آسیب دیده است. این موضوع همان‌طور که در [بیم‌ها](#) و [امیدهای جنگ کویانی پیش‌بینی شده بود](#)، چندان غافلگیرکننده و غیرقابل انتظار نیست. ریشه این مسئله را می‌توان در دیدگاهی یافت که برای احقاق حقوق پایمال‌شده توده‌های محروم کردستان همواره به قدرتهای بزرگ خارجی اتکا کرده است. چنین نگرشی نه تنها توان اعتراضی و دستاوردهای مردم کردستان سوریه را تقویت نکرده، بلکه در بسیاری موارد تلاش‌های آن‌ها را بی‌نتیجه گذاشته است.

۱۵ مارچ ۲۵/۲۰۲۵ اسفند- حوت- ۱۴۰۳